

بسم الله الرحمن الرحيم

«بررسی مولفه های موثر بر بزهکاری اطفال»

گردآورنده: مهناز احمدی
(کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی)

ناشر: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، حق گستر

Www.HaghGostar.ir



« فهرست مطالب »

عنوان	صفحه
۱) چکیده :	۳
۲) مقدمه :	۶
۱-۲) بیان مسئله	۶
۲-۲) واژگان کلیدی	۸
۱-۲-۲) تعریف طفل	۸
۲-۲-۲) تعریف بزهکاری	۸
۳-۲) سوالات اصلی	۹
۴-۲) فرضیه تحقیق	۹
۵-۲) اهداف و ضرورت تحقیق	۹
۶-۲) راه حل موضوع	۱۰
۷-۲) روش تحقیق	۱۰
۸-۲) پیشینه تحقیق	۱۰
۳) کلیات :	۱۱
۱-۳) کودکان بزهکار	۱۲
۲-۳) تاریخچه ی واکنش اجتماعی در مقابل اطفال بزهکار	۱۳
۴) مهمترین عوامل موثر در بزهکاری اطفال :	۱۴
۱-۴) نقش خانواده	۱۴
۱-۱-۴) رابطه عقده‌های دوران کودکی و ارتکاب جرایم	۱۶
۲-۱-۴) عقده‌های کودکی و ارتکاب جرایم	۱۶
۳-۱-۴) عواطف	۱۷
۴-۱-۴) حس پر خاشگری	۱۸
۵-۱-۴) آزادی و ارتباط	۱۸
۶-۱-۴) طلاق	۱۹
۲-۴) عوامل اجتماعی	۲۰
۳-۴) عوامل اقتصادی	۲۰

- ۴-۴) عوامل طبیعی و جغرافیایی ۲۱
- ۴-۵) نقش دوستان و همسالان ۲۲
- ۴-۶) عوامل روانشناختی ۲۲
- ۴-۷) مهاجرت ۲۳
- ۷) نتیجه : ۲۴
- ۸) منابع : ۲۵

(۱) چکیده :

بیگمان ، جوامع بشری در هر شرایطی به همزیستی مسالمت آمیز با همنوعان خود نیازمند هستند. آنچه مسلم است تا امروز به دلیل اختلافات زیر بنایی و ریشه ای مختلفی از جمله در مسائل عقیدتی ، فرهنگی و مذهبی و در عین حال تفاوت هایی که در معیارهای سنجش ارزش ها در حیطه های گوناگونی وجود داشته ، یک توافق و تفاهم عمومی و جهان شمول استقرار نیافته است. وانگهی ، تمام انسان ها از هر قوم و قبیله ، نژاد و مذهب ، دین و عقیده اتفاق نظر دارند که یکی از محوری ترین اعمال فردی و اجتماعی ، تربیت و هدایت درست کودکان برای آینده می باشد . اقدامی که شرط ضروری و انکار ناپذیر رشد و ترقی جامعه ی انسانی تلقی می شود .

کودکان و نوجوانان سرمایه های معنوی جامعه می باشند و سلامت روح و جسم آن ها تضمین کننده ی سلامت جامعه در آینده است . بنابراین مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آن ها توجه ویژه ای مبذول داشت .

بررسی ریشه ای مسائل اطفال و از آن جمله بزهکاری اطفال ، برای رسیدن به یک جامعه ی ایده آل شرطی ضروری است.

در واقع از قدیم الایام گفته اند ، پیشگیری بهتر از درمان است . طبعاً اگر طفلی به هر دلیلی از ابعاد جسمانی ، روانی و رفتاری به نقصان و یا انحرافی مبتلا گردد ، قهراً بازپروری وی مستلزم صرف هزینه های هنگفت و مضاعفی خواهد بود . از طرف دیگر بسیاری از افرادی که همواره مرتکب جرائم گوناگون می شوند ، همان کودکان بزهکار دیروز هستند .

از جمله مسائل همیشگی و مطرح نزد اندیشمندان و بالاختصاص حقوقدانان و جرم شناسان ، موضوع بزهکاری اطفال و نحوه مقابله با آن و شیوه های انحراف و کجروی آن ها در جامعه می باشد . از آن جا که دلایل و عوامل

بروز جرم در میان اطفال با افراد بزرگسال متفاوت بوده و از سوی دیگر این طبقه از جامعه دارای وضع روانی و اجتماعی حساس تر و به مراتب آسیب پذیرتری نسبت به سایرین می باشند ، لذا باید روشی متناسب با شرایط و موقعیت این افراد اتخاذ شود . این روش تحت عنوان سیاست کیفری مربوط به کودکان و نوجوانان بزهکار اهمیت فراوانی دارد . برخورداری از یک سیاست جنائی و کیفری متناسب با شرایط و وضعیت صغار و نوجوانان می تواند به جامعه مدنی جهت پیشبرد یکی از اهدافش که پیش گیری از وقوع جرائم در آینده است ، کمک فراوانی کند .

۲-۱) بیان مسئله:

همه دانشمندان علوم اجتماعی ، خواه جامعه شناسان یا روانشناسان ، بیش از هر عاملی بر آگاهی بخشی خانواده و تاثیر بی بدیل آن تاکید دارند . اگر چه از تاثیر مدرسه، گروه های همسال ، رسانه های جمعی و ... غافل نیستند ، ولی نقش خانواده را موثر می دانند ؛ زیرا فرد در خانواده فرایند فرهنگ پذیری را می آموزد و شخصیت افراد بیش از همه در آغوش خانواده رشد و شکل می گیرد ؛ در حالی که دیگر عوامل، بیش تر در جامعه پذیری افراد، نقش دارند . فروید بر این باور است که شخصیت متشکل از سه نظام نهاد، خود و فراخود است و فراخود معرف بازنمایی های درونی شده آن دسته از ارزش ها و اخلاقیات جامعه است که والدین به کودک آموخته اند . فراخود در واقع همان وجدان فرد است و درباره درست یا غلط بودن اعمال فرد داوری می کند

رفتار های والدین و اعضاء خانواده در نوع بروز واکنشهای افراد نیز موثر است . این واکنش ها در زمینه پی ریزی شخصیتی فرد در دوران بلوغ سهم بسزایی دارد . نوجوانان در این سن نیاز به خود شناسی و شناخت استعداد هایشان دارند و این حضور والدینی را می خواهد که در این راه به آنان کمک کند در غیر اینصورت آنان به صورت غیر فعال در جامعه حضور می یابند . در اینجااست که مسأله چگونگی تربیت افراد مطرح می شود . پارسونز می گوید که خانواده زن و شوهری معاصر ارزشهای جامعه کل را به جوان منتقل می کند . بویژه ارزشهای رشد و شکفتگی را که ویژه جامعه صنعتی و پیشرفته است . از نظر او این ارزشها به وسیله نقشهایی که والدین در خانواده و در جامعه ایفا می کنند به کودک القا می شود . بنابراین چون خانواده محیطی است که

پیوند های حاکم بر آن تفاوت زیادی با روابط حاکم بر خارج از محیط خانواده دارد و فرد از آغاز تولد تحت تاثیر آن است و بسیاری از نیاز های روانی و مادی او در این محیط تامین می شود و پشتوانه ورود انسان به جامعه بزرگتر است نقش آن نیز با اهمیت تر از همه عوامل محیطی است. بطبع هر چه میزان اختلافات میان والدین با نوجوانان بیشتر باشد رفتارهای ناسازگارانه ضد اجتماعی را برای آنان به ارمغان می آورد صفاتی چون : مسئولیت ، عشق ، پایداری ، استقلال تنها از فردی تراوش می کند که دارای خود باوری مثبت و روابط خوب اعضاء یک خانواده باشد و به دنبال روابط خوب ، احساس امنیت است که فضای خانه را برای افراد سرشار از محبت می کند و افراد از طریق آن عامل است که هویت خود را توسعه می دهند. حال با این همه اهمیتی که نهاد خانواده دارد و از آن به عنوان یکی از عوامل مهم در جامعه پذیری و فرهنگ پذیری نوجوانان یاد می شود جای این سوال باقی می ماند که چگونه بعضی از خانواده ها در بزهکاری و انحراف نوجوانانشان سهیم شده و آنها را به ورطه هلاکت می اندازند ؟ در این مورد باید گفت که خانواده ها از جنبه های مختلفی در بزهکاری نوجوانان سهیم بوده و علل و عوامل مختلفی می تواند از سوی خانواده در بزهکاری نوجوانانشان دخیل باشد که از آن جمله می توان به شیوه تربیتی مستبدانه ، غفلت و بی توجهی والدین ، بعد خانوار ، تعداد افراد خانواده ، زندگی در محله های شلوغ ، نوع تملک مسکن ، فوت والدین ، انحرافات والدین ، رفتارهای خصمانه والدین نسبت به یکدیگر ، وضعیت نامناسب اقتصادی ، شغل و درآمد والدین و ... اشاره کرد. نی در پژوهشهایش به این نتیجه رسید که متغیر های خانوادگی نظیر روابط فرزند- والدین ، تقید های خانوادگی ، انضباط و سرپرستی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده با بزهکاری نوجوانان ارتباط معناداری دارد. در آزمون نظریه کنترل اجتماعی دریافت که افزایش تقید های جوانان به والدین و گذران بیشتر اوقات فراغت فرزندان با خانواده ، گرایش جوانان به بزهکاری را کاهش می دهد .

مطالعات دیگری که به موضوع خانواده و بزهکاری پرداخته اند تضاد های زناشویی، گسیختگی و سرپرستیهای ضعیف والدین بر فرزندان را بر بزهکاری نوجوانان موثر دانسته اند. بزهکاری را در اثر خطای خانواده ها دانسته که قادر به یاد دادن ارزشها و هنجارها نبوده اند. به نظر سادرلند نگرانیها و نیازهای ارضا نشده در افراد عادی و بزهکار شبیه به هم است و تنها روشهای یاد گرفته شده واکنش به این نگرانیها و محرکها در آنان متفاوت است. و خانواده به عنوان محیط یادگیری اولیه جوانان بر بزهکاری موثر است

۲-۲) واژگان کلیدی عبارتند از :

۲-۲-۱) تعریف طفل:

طفل به بیان قانون مدنی فردی است که به سن بلوغ نرسیده باشد. بلوغ شرعی در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری می باشد. با این وصف منظور از طفل در این مقاله پسر زیر ۱۵ سال و در دختر زیر ۹ سال مد نظر می باشد.

۲-۲-۲) تعریف بزهکاری:

بزهکاری در معنا و مفهوم لفظی خود عمل خطائی قلمداد می شود که ناشی از ترک انجام وظیفه قانونی با انجام یک عمل خطائی است که جرم قلمداد نمی شود که این لفظ بیشتر برای کودکان و اطفال به کار برده می شود بزهکاری در هر حال از لحاظ اصطلاحی معنای بسیار نزدیکی با جرم و تبهکاری دارد ولی به این لحاظ در برابر اطفال استعمال می شود که اطفال با توجه به روح لطیف و ساده ای که دارند نامناسب است که آن ها را به

مجرم و تبهکاری عنوان کرد و ازاین حیث اطفال ، بزهکار نامیده می شوند و در برخی از موارد نیز بزهکار به فردی اطلاق می شود که صرفاً مرتکب جرم نشده ولی به طور کلی فردی سرکش و ضد اجتماعی باشد.

۳-۲) سوالات اصلی

۱) کدام مولفه ها بر بزهکاری اطفال بیشترین تأثیر را دارند؟

۲) راه های موثر در مبارزه با بزهکاری اطفال کدامند ؟

۴-۲) فرضیه تحقیق :

فرضیه ای که در اینجا مطرح میشود آن است که میزان تأثیر عوامل مختلف در افراد (اطفال) بسته به محیط خانوادگی و تربیتی آنان متفاوت میباشد.

برای درمان هر پدیده ای باید به سراغ ریشه ی وجودی آن رفت ، شاید بتوان گفت پیشگیری از همان دوران کودکی بهترین و موثرترین راه جهت مبارزه و ریشه کن کردن بزهکاری اطفال در جامعه باشد.

۵-۲) اهداف و ضرورت تحقیق:

هدف از این تحقیق بدست آوردن درک روشنی نسبت به عوامل تأثیر گذار بر بزهکاری اطفال می باشد و اینکه آیا میزان تأثیر این عوامل یکسان است.

ضرورت تحقیق به نظر نگارنده این است که بزهکاری پدیده ای طبیعی و ذاتی نیست و هیچ نوجوان و طفل بزهکاری، از هنگام تولد مجرم به دنیا نمی آید؛ بلکه عوامل متعدد و گوناگونی او را به سوی ارتکاب به جرم و بزه

سوق می دهد ، کودکان و نوجوانان سرمایه های معنوی جامعه می باشند و سلامت روح و جسم آن ها تضمین کننده ی سلامت جامعه در آینده است . بنابراین مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آن ها توجه ویژه ای مبذول داشت . بررسی ریشه ای مسائل اطفال و از آن جمله بزهکاری اطفال ، برای رسیدن به یک جامعه ی ایده آل شرطی ضروری است.

۲-۶) راه حل موضوع

بهتر آن است که والدین از همان ابتدای رشد و نمو کودک توجه و مراقبت کافی را نسبت به آنها مبذول دارند و اجتماع هم در مقابل به شهروندان خود فرصت رشد و بالندگی را بدهد.

۲-۷) روش تحقیق:

روش تحقیق در بررسی مولفه های موثر بر بزهکاری اطفال ، همانند سایر موضوعات حقوق کیفری و مدنی به شیوه ی توصیفی می باشد؛ یعنی آنها را به طور عمومی مورد مطالعه قرار می دهیم. جمع آوری مطالب از طریق مطالعات کتابخانه ای و اسناد موجود به عمل آمده بدین جهت، سعی نگارنده در مراجعه به آثار ارزنده حقوقدانان شهیر ایرانی به زبان فارسی، از جمله کتابها و مجموعه مقالاتشان ، و همچنین رجوع به منابع فقهی، برای استفاده از دستاوردهای فقها و سایر دانشمندان اسلامی اعم از فقه امامیه و عامه، بوده است.

۲-۸) پیشینه تحقیق:

در مورد تحقیق اینجانب مطالب فراوانی نوشته شده است از جمله کتاب روان شناسی و جرم تالیف دیوید پوت و این واین سامونز، بزهکاری اطفال و نوجوانان تالیف دکتر علی نجفی توانا ، بزهکاری اطفال و نوجوانان تألیف هوشنگ شامبیاتی. پایان نامه کارشناسی ارشد ، پیشگیری از جرایم کودکان تألیف آدینه عبقری،.... که در این مجموعه گرد آوری شده اند.

(۳) کلیات :

در ادوار مختلف زندگی بشر با اینکه عده ای از رعایت آداب و رسوم و اجرای قانون سر پیچی نموده یا مرتکب جرم می شدند. اما بزهکاری از مسائل حاد اجتماعی نبوده است. در قرن معاصر ازدیاد بزهکاری مخصوصا ارتکاب جرایم توأم با خشونت یکی از معضلات اجتماعی محسوب و افکار عمومی را شدیداً نگران ساخته است. طبق گزارش سازمان ملل در طی سال های 1980 تا 1986 سالیانه به طور متوسط 5٪ بر میزان جرایم در سطح جهان افزوده شده که بیش از میزان رشد جمعیت است. جرایم بر علیه اشخاص توأم با خشونت 9٪، جرایم علیه اموال که معمولاً 7٪، جرایم را تشکیل می دهد 30٪ افزایش یافته که 60 تا 70٪ جرایم مذکور را اطفال و نوجوانان کمتر 18 سال مرتکب شده اند. سن اعتیاد به 12 الی 14 سال تقلیل یافته و انحرافات در بین اطفال کمتر 10 سال نیز روبه فزونی است. پیشرفت تکنولوژی، زندگی سنتی جوامع مختلف را دگرگون و نظام جهان را در شهرها و روستاها متحول ساخته است. بهبود وضع حمل و نقل، شبکه های مخابراتی، رسانه های گروهی در دور افتاده ترین نقاط دنیا، روستاییان را از مزایا و رفاه زندگی شهری آگاه ساخته و آنان را برای رهایی از کار طاقت فرسای روستا، آزادی از قید و بند بومی و دستیابی به زندگی مرفه به طرف شهرها می کشاند، گاهی نیز عدم امنیت و آرامش مزید بر علت جا به جایی افراد می گردد. افراد مذکور در بدو ورود به شهرها به علت کمبود مسکن و عدم امکان پرداخت کرایه منزل، با طرز رقت بار در حاشیه های شهرها با برپایی آلونک ساکن می شوند. در کارهایی با مشکلات عدیده ای روبه رو می شوند، شرایط سخت زندگی شهری با درآمد کم و بیکاری آنان را تحت فشار روانی قرار می دهد (عوامل بیرونی)، برای کسب در آمد اطفال خرد سال نیز وادار به کارهای کاذب می کنند و به آموزش و تربیت آنان توجه ندارند. چون سعی

دارند که آداب و رسوم سنتی و ارتباطات انسانی و عاطفی را از بین می برد. اطفال و نوجوانان نیز که دارای طبعی انعطاف پذیرند تحت تاثیر عوامل اجتماعی، رفته رفته اعمال و رفتار خود را تغییر می دهند. همین امر سبب تضاد بین 2 نسل شده و سرآغاز منازعات و مناقشات در بین افراد خانواده گشته و محیط را متشنج می سازد، کانون گرم برای رشد و تکوین شخصیت طفل وجود ندارد. اطفال و نوجوانان برای فرار از محیط خانه به کوچه و دوستان خود پناه می برد. علاوه بر وضع تاسف آور خانواده، کمبود محبت، سوء تغذیه، عدم رعایت مراقبت های بهداشتی، عدم دسترسی به تفریحات سالم، بیکاری و... نیز فشار بروز حالت خطرناک می شود.

۳-۱) کودکان بزهکار :

کودکان بزهکار در اصطلاح علوم روانی و تربیتی امروز ، به طور کلی به افرادی گفته می شود که عموماً " یک معما و یا حداقل یک مشکل تربیتی برای جامعه ، پلیس و کارگردانان دستگاه های قضایی به شمار میروند .

البته بزهکاری این کودکان دارای مراحل و شدت و ضعف فراوان است . مثلاً" از یک دزدی کوچک ، فرار از مدرسه و ... شروع می شود و به انواع بزهکاری ها ، طغیان علیه قانون ، انجام اعمال شنیع و جنایات مانند قتل نفس ، عمل منافی عفت و نظایر آن منتهی می گردد . این گونه کودکان نه تنها یک مشکل ، بلکه یک معما و مسئله بزرگ اجتماعی محسوب می شوند و هر متفکر اجتماعی می تواند به خود حق بدهد که درباره آنها و رفتار ضد اجتماعی آنان بیندیشد .

کودکان بزهکار غالباً " کسانی هستند که در کانون خانواده ای نابسامان ، خانواده ای که از فروغ پرتو محبت ، گرم و روشن نشده است ، پا به عرصه وجود نهاده اند و یا احیاناً" از کودکی بنا به عللی ، مفهوم زندگی ثابت

خانوادگی را درک نکرده اند و یا حداقل به جای محبت از ترحم دیگران برخوردار شده اند و در نتیجه رشد عاطفی شخصیت آنان متوقف مانده است. این محرومین لطف و محبت، این قربانیان جهل و بی مهری خانواده و محیط، ناچار نیاز به خودنمایی و جلب توجه خود را از راههای دیگر که به زیان اجتماع است ارضا می کنند. آنان اگر دخترند، چه بسا به فحشا تن در می دهند، و به خاطر اطفاء عطش محبت خویش به سهولت فریب تملق و زبان بازی مردان هوسران را می خورند و اگر پسرند ممکن است به آسانی علیه قانون و اجتماع قد برافراشته و دستهای خود را به جرم و جنایت بیالایند و به هر گونه دروغ و تقلب و دزدی و پستی تن بدهند و غالباً "بدبین". کینه توز نسبت به همه کس باشند.

۳-۲) تاریخچه ی واکنش اجتماعی در مقابل اطفال بزهکار:

اصلاح بزهکاری اطفال نخستین بار در انگلستان و در قرن نوزدهم (سال ۱۸۱۵ میلادی) مطرح شد. در آن دوران جرائم کودکان و نوجوانان افزایش یافته بود، از آن پس واژه ی بزهکاری اطفال در تمام کشورها متداول گردید. در آمریکا لایحه ی مربوط به تاسیس دادگاه اطفال در سال ۱۸۹۱ در شیکاگو به مجلس قانونگذاری ایلینویز تقدیم شد. این لایحه در سال ۱۸۹۹ به تصویب رسید و به صورت قانون در آمد. همزمان با تصویب این قانون دادگاه های اطفال ونور تشکیل گردید و این اولین دادگاهی بود که رسماً شروع به کار کرد. فکر تاسیس دادگاه های اطفال به سرعت در تمام ایالت ها پیدا شد و امروز در تمام ایالات آمریکا دادگاه اطفال وجود دارد.

همچنین در سال ۱۹۰۹ در شیکاگو سازمان بسیار مهم و ارزنده ای به نام موسسه ی پیسکوپاتیک جوانان تاسیس گردید که کار اصلی آن، تحقیق و بررسی در رفتار و سلوک نوجوانان و همکاری نزدیک با دادگاه اطفال

شهرشیکاگو بود .

در کشور ما تا قبل از تشکیل دادگاه های اطفال (مصوب سال ۱۳۳۸) مرجع قضایی واحد و صلاحیت داری برای رسیدگی به بزهکاری اطفال پیش بینی نشده بود . با تصویب این قانون دادگاه ویژه اطفال تشکیل شد .

از نظر تاریخی بنظر می رسد که اقدامات مقابله ای با بزهکاری اطفال و نوجوانان و در عین حال ریشه یابی آن خیلی دیر انجام شده و این موضوع از جمله مسائلی است که نهایتا به یک یا دو قرن پیش باز می گردد .

۴) مهمترین عوامل موثر در بزهکاری اطفال :

عوامل گوناگونی در بروز بزهکاری موثر است و تنها نمی توان علت خاص و واحدی را برای آن در نظر گرفت . عوامل مختلفی نظیر عوامل اجتماعی ، اقتصادی ، فیزیولوژیکی و ... در کنار هم باعث می شوند که بزهکاری در نوجوانان و اطفال به منصه ی ظهور برسد.

۴-۱) نقش خانواده :

محیط خانواده اولین محیطی است که فرد در آن رشد می کند و هنجارها را می آموزد . علی رغم اینکه بسیاری از عوامل در وقوع بزهکاری اطفال و نوجوانان دخیل اند اما در گام نخست این خانواده ها هستند که نقش تعیین کننده ای در سرنوشت اطفال دارند . چنانکه با تربیت درست می توانند کودک را به راه صحیح هدایت کنند و یا شرایط و محیط را برای تحقق بزهکاری توسط اطفال مهیا سازند . معمولا والدین اطفال یا نوجوانان بزهکار از نظر رفتاری یا بسیار خشن و سخت گیر هستند و یا نسبت به فرزند خود بسیار بی توجه و سهل انگار هستند . غالبا والدین این دسته از اطفال و نوجوانان در ارتباط برقرار کردن با فرزند خود دچار اشکال هستند و نمی توانند به

درستی به تکالیف خود نسبت به فرزندشان عمل کنند.

دانشمندان با پژوهش های اجتماعی، وضع نابسامان محیط خانوادگی را در بروز جرائم تایید کرده اند و اذعان داشته اند که وضع خانوادگی شخص رابطه ی مستقیم با بروز حالت خطرناک و بزهکاری وی دارد. از نظر تحصیلات و مسائل فرهنگی، فرزندان خانواده های سطح پایین و متوسط به مراتب بیشتر از فرزندان خانواده های روشنفکر و سطح بالای جامعه در معرض ارتکاب جرائم مختلف هستند. بنابراین نباید سیاست جنائی خاص بزهکاران صغیر و نوجوان را از سیاست حمایت خانواده جدا دانست. به عبارت دیگر حمایت درست از نهاد مقدس خانواده و نظارت اساسی و کارشناسانه بر آن سبب کاهش جرائم خاص صغار و نوجوانان خواهد شد.

به نظر روانشناسان اگر شخصی در محیط خانواده از نظر رفع نیاز های اساسی جسمی و روانی مانند نیاز های عاطفی ارضا نشود، به احتمال فراوان در آینده ای نه چندان دور به طرق مختلف به اعمال ضد اجتماعی دست زند. عدم وجود محبت، ارتباطات صمیمی، تفاهم متقابل و در عین حال وجود تشنج در خانواده، ازهم گسیختگی خانواده، طلاق، فوت والدین و... از جمله عواملی هستند که در وقوع بزه توسط نوجوانان و اطفال موثر است.

همچنین نحوه تنبیه والدین در مقابل سرپیچی های کودک و شلوغ کاری های وی نیز طبق بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و همچنین تبصره ۲ ماده ۴۹ باید همراه با دو شرط باشد. اولاً تادیب اطفال باید در حد متعارف باشد و ثانیاً این تنبیه باید ضرورت داشته باشد. در واقع این دو ماده به نوعی جنبه پیش گیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان دارند. متأسفانه در قوانین موضوعه ما مبنا و معیاری برای ضرورت تنبیه اطفال آورده

نشده است و به نظر می‌رسد که این مساله توسط عرف جامعه تعیین می‌شود. بسیاری از فقیهان در مورد حد و میزانی که تنبیه ضرورت پیدا می‌کند، نظرات گوناگونی داده‌اند که خود جای بحث دارد و در این مجال نمی‌گنجد.

۴-۱-۱) رابطه عقده‌های دوران کودکی و ارتکاب جرایم:

رابطه والدین ناسالم و تشکیل شخصیت بزه‌کارانه در کودک را شاید بتوان رکن اصلی ارتکاب جرایم دانست. بطور کلی والدین هستند که بذر افکار و احساسات را در فرزندان خود می‌کارند در بعضی از خانواده‌ها بذر عشق، محبت احترام و اتکاء به نفس و آزادی و در بعضی دیگر، بذر ترس، گناه و اجبار کاشته می‌شود طبیعی است که گاهی والدین بر سر کودکان خود داد بزنند و شاید اتفاق بیفتد که آنها را تنبیه بدنی کنند. آیا اینها والدین بدی هستند؟ البته که نه، آنها هم انسانند و مسائل شخصی خود را دارند که باعث می‌شود گاهی کنترل خود را از دست بدهند اما بعد با محبت یا عذرخواهی آن را جبران می‌نمایند ولی تعدادی از والدین نیز هستند که یک سری ناراحتی که مدام روی بچه‌های خود پیاده می‌کنند و این امر باعث خراب کردن زندگی آنها می‌شود. این رفتار مثل سم در دوران کودکی در تمام وجود کودک پخش شده و درد ناشی از آن به مرور زمان با طفل بزرگتر می‌شود.

۴-۱-۲) عقده‌های کودکی و ارتکاب جرایم:

بسیاری از ناهنجاریها و انحرافات افراد خصوصا جوانان و نوجوانان ناشی از عقده‌های دوران کودکی که به علل گوناگون درون کودک رشد کرده و در بزرگسالی بصورت یک عمل مجرمانه ظاهر می‌گردد. این مسئله از اهمیت

فوق‌العاده ای برخوردار است و لازم است که مسئولین جامعه و قضات و خصوصا والدین کودکان آن را به خوبی مورد توجه قرار دهند. عدم تربیت صحیح و توجه نکردن به خواسته های طبیعی و بچه گانه آنها سختگیری های بی مورد در بسیاری موارد به تشکیل عقده های روانی منجر می شود و خواه ناخواه در بزرگسالی این عقده ها به طرق مختلفی گشوده می شود انجام اعمال مجرمانه از جمله این موارد است. در زمانهای گذشته یعنی هنگامی که روانشناسی مراحل ابتدایی خود را پشت سر می گذاشت تعلیم و تربیت کودکان امر ساده ای بود، در آن زمان یک رشته قوانین و مقررات تربیتی وجود داشت و هر کودکی می بایست خواه ناخواه از آن پیروی کند، مثلاً از کودک می خواستند مطیع ، مودب ، خوش اخلاق باشد. هرگز صدایش را بلند نکند و از مقتضیات محیط و اصول اخلاقی متداول پیروی کند. آرزوی والدین کودکانی بود که روشهای اخلاق و تعلیم و تربیتی را به او بیاموزند تا این مسائل مهم را ملکه ذهن خود کنند. وظیفه تنبیه و گوشمالی نیز از وظایف و اختیارات خاص پدر بشمار می رفت که هر عصر به هنگام بازگشت از کار بدان دست می یازید.

اما امروزه وضع تعلیم و تربیت بکلی دگرگون شده است. امروزه از انضباط سخن کمتری به میان می آید و تکیه بیشتری بر روی تعلیم و تربیت می شود. دگرگونی افکار تربیتی در رابطه با کودکان عوامل گوناگونی دارد که از جمله جنگ جهانی و تعلیمات روانشناسانه و مخصوصاً روانکاوی است. فروید معتقد بود که سرچشمه اکثر اختلالات روانی عقبراندگی تمایلات طبیعی مانند غریزه جنسی یا پرخاشگری است و همواره تاکید می کرد که این تمایلات هنگامیکه رانده می شود بصورت اختلالات و بیماریهای روانی بروز می کند.

۴-۱-۳) عواطف :

عواطف از قبیل ترس و خشم تمایلات جنسی و مهرمادری از مسائلی است که می‌بایست به دقت مورد توجه قرار گیرد . کودک بیش از هر چیز نیاز به عاطفه دارد اما همین عواطف با همه نیکی و ارزش هرگاه از حد معمول بگذرد و کودکان را عنان گسسته بار آورد خطرات براندازی را به دنبال خواهد داشت. این مسئله بیشتر مربوط به سنین بعد از هفت‌سالگی است به هر حال کودک در مراحل اولیه از عواطف و احساساتی برخوردار است که می‌بایست به گونه‌ای صحیح مورد توجه قرار گیرد و پرورش صحیح آن به عهده والدین است و گرنه کودک دچار عقده خواهد شد و نهایتاً راه انحراف خواهد پیمود.

۴-۱-۴) حس پرخاشگری:

هرگاه حس پرخاشگری طبیعی کودک آزرده یا رانده شود از چرای طبیعی خود منحرف می‌گردد، و به لجاجت و قهر تبدیل می‌شود. کودک اخمو و ترشرو کودکی است که حس پرخاشگری در وی آزرده شده است. در روانشناسی ثابت شده است که هرگاه کودکی را از نیروی پرخاشگری خود محروم کنند ، گرفتار یک حس ناامنی و اضطراب خواهد گردید و بعید نیست برای تامین آرامش خیال خود به یک ناراحتی روحی متوسل شود زیرا تنها به آن وسیله می‌تواند حمایت از خویش را تامین کند و یا از زیر بار مسئولیت بگریزد و یا آنکه اراده خودش را تحمیل کند.

۴-۱-۵) آزادی و ارتباط:

در ارتباط با تربیت کودک دو اصل یا شاید دو روش وجود دارد به نظر می‌رسد با هم متضاد هستند. در حالیکه با هم تبانی ندارند بلکه تا اندازه زیادی به هم بستگی دارند عده‌ای معتقدند که باید به کودکان آزادی کامل داد تا هر عملی را که می‌خواهند انجام دهند. عده دیگر اظهار می‌دارند که باید در تعلیم و تربیت انضباط را کاملاً رعایت کرد. باید گفت این دو مفهوم به هم وابسته‌اند، یعنی اینکه انضباط برای آزادی حقیقی و آزادی حقیقی برای انضباط ضرورت کامل دارد.

۴-۱-۶) طلاق :

یکی از مولفه‌ها و پیش زمینه‌های موثر در بزهکاری کودکان و نوجوانان، طلاق و جدا شدن والدین از هم دیگر است. طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی، پیامدهایی ناگواری را به دنبال خود دارد. شاید بتوان گفت بیشترین سهم از این پیامدها از آن کودکان و فرزندان طلاق است. تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباط مستقیمی با طلاق و رشد بزهکاری یا ناهنجاری‌های رفتاری کودکان وجود دارد. دلیل این امر نیز آن است که طفل از وجود مهر و محبت یکی از والدین و حتی در بعضی موارد هر دوی آنها محروم شده، از داشتن یک پناهگاه امن خانوادگی منع شده، به نحوی که گاهی مجبور است برای رهایی از شرایط نابسامان خانوادگی، از خانه فرار کند. طلاق هر چند ممکن است برای والدین امری لازم و موفقیت آمیز یا تنها راه، رهایی، در مواقعی که زندگی مشترک به بن بست رسیده است؛ باشد، ولی برای طفل همیشه یک فاجعه است، فاجعه‌ای که محرومیت ابدی از عواطف پدری یا مادری را به دنبال خواهد داشت. «طی تحقیقات انجام شده در نزد اطفال بزهکار تهرانی که در بین

سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۱ نگهداری می شده اند؛ ۴۰٪ آنها متعلق به خانواده هایی بوده اند که یا والدین آنها از هم طلاق گرفته، یا یکی از آنها فوت نموده اند.»

«کودکان طلاق در مقایسه با کودکانی که پدر و مادر آنها با هم زندگی می کنند دارای ویژگی های زیر می باشند؛»

- ☑ متمرّد، پرخاشگر، ناسازگار، و دارای کمبود در تنظیم و کنترل رفتار خود
- ☑ این کودکان به احتمال زیاد دارای مشکلات زیادی در روابط اجتماعی و روابط نزدیک و صمیمانه با دیگران، مانند ارتباط با مادران و پدرانشان، همکاران و همسالانشان هستند.
- ☑ احتمال بسیار زیادی وجود دارد که این کودکان به همسالان خود که دارای رفتارهای ضد اجتماعی هستند بپیوندند.

- ☑ به احتمال زیاد مبتلا به استعمال سیگار، الکل، و مواد مخدر می شوند.
- ☑ شروع زودرس فعالیتهای جنسی، وضع حمل به عنوان یک نوجوان، و حاملگی نامشروع و خارج از ازدواج در ایشان نسبت به بچه هایی که پدر و مادرشان با هم هستند بیشتر است.

- ☑ وجود سطوح بالای افسردگی در این کودکان نسبت به کودکانی که پدر یا مادرشان با هم زندگی می کنند یا دارای اختلاف خانوادگی کمتری هستند.» (مک اینتاش و همکاران، ۲۰۰۹) بنابراین در میان مولفه های مرتبط با خانواده که در بزهکاری کودکان موثر است شاید بتوان از لحاظ اثر گذاری منفی طلاق رادر رده ی اول قرار داد.

۴-۲) عوامل اجتماعی :

جامعه ای که از یک ثبات و پایداری اجتماعی برخوردار نیست و دائماً دچار هرج و مرج و بی نظمی از قبیل

جنگ ، شورش ، اختلافات طبقاتی ، آلودگی هوا ، وضع بد سکونت ، جمعیت بالا و ... باشد ، قطعاً شرایط و بستر مساعدی را برای ارتکاب بزه فراهم می کند و بالعکس جامعه ای که از یک ثبات و نظم اجتماعی واقعی برخوردار است ، می تواند به مرور زمان ریشه های بزهکاری و عوامل آن را در خود بخشکاند.

۴-۳) عوامل اقتصادی:

فقر یکی از عوامل مهم انحرافات، از جمله دزدی و انحراف جنسی در مردم بویژه در کودکان و نوجوانان است . بیشتر محرومیتها و بر آورده نشدن تمایلات که موجب عدم اطمینان اجتماعی می شود ناشی از فقر است و نمی توان آن را نادیده گرفت . بیکاری، کمبود مواد غذایی و پوشاک ، بی سوادی ، عقب افتادگی ، جهل و خرافات ، عدم بهداشت کافی و انواع بیماریهای روحی و جسمی ، حتی در سطح جهانی ، جنگها و خونریزیها ریشه در نیازهای مادی و ترس از فقر دارد . هنگامی که در طبقات بالای اجتماع بعثت نفع و حرص و ولع برای رفاه بیشتر ، رحم شفقت و انصاف فراموش می شود ، نمی توان از طبقات محروم انتظار دوستی و رحم شفقت داشت . خانواده های فقیر ، توانایی تامین مخارج تحصیل فرزندان خود را ندارند . بی لباسی و ژنده پوشی ، آلودگی میکروبی ابتلا به انواع بیماریهای مسری و غیر مسری نتیجه مسلم فقر است . عمده ترین بزه در میان کودکان ، دزدی است . در میان برخی از انواع کج رویها و وضع اقتصادی مانند روسپیگری ، گدایی و برخی دزدیها و بیماریهای روحی رابطه وجود دارد . مسکن ، یکی از نیازهای اولیه هر خانواده است . خانواده اکثر بزهکاران خردسال در زاغه ها یا اتاقهای مخروبه و کثیف زندگی می کنند و شرایط بسیار نامساعد و غیر بهداشتی دارند و اکثراً همه خانواده در یک اتاق زندگی می کنند ..عدم تغذیه کافی و مناسب ، نبود پوشاک کافی و ... موجب ضعف ، عصبانیت و خودخواهی آنان می شود و آنها را بسوی تقلب و کلاهبرداری می کشاند .

۴-۴) عوامل طبیعی و جغرافیایی:

عامل جغرافیایی از قبیل آب و هوا در ایجاد تعادل روحی و فکری افراد مؤثر است مثلاً کسانی که در مناطق غیر معتدل زندگی می کنند، آمادگی بیشتری برای گرایش به انحراف از خود نشان می دهند.

۴-۵) نقش دوستان و همسالان :

از دیگر عوامل مؤثر در بزهکاری اطفال ، دوستی با افراد فاسد و بی بند و بار است . نوجوان اغلب رفتار خود را با الگوهای رفتاری دیگر دوستانش همانند سازی می کند و به شدت از آنان تاثیر می پذیرد . نوجوانی که از خانواده طرد می شود برای جبران کمبود های عاطفی و روانی اش ، برای کسب حمایت و تایید به دوستان هم سن و سال خود روی می آورد . وی به دنبال افرادی می گردد که مانند خودش هستند . از این رو احتمال دارد با تحریک و تشویق دوستان نا باب خود دست به اعمال ضد اجتماعی و خلاف زند.

۴-۶) عوامل روانشناختی :

روانشناسان عوامل گوناگونی را برای بزهکاری اطفال احصا کرده اند . بزهکاری با صفات روانشناختی مختلف و متنوعی همراه است که برخی از آنها عبارتند از هوش کمتر از متوسط ، خلق و خوی پرخاشگرانه و روانشناسان ثابت کرده اند که بزهکاران نسبت به دیگر افراد به مراتب از عزت نفس پایین تری برخوردار بوده اند . اگر به گذشته ی اطفال و نوجوانان بزهکار توجه داشته باشیم ، خواهیم دید که اکثر قریب به اتفاق آن ها ، به نحوی از انحاء مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند . در مباحث روانشناختی ، این نظریه در بین قشری از روانشناسان وجود دارد که اگر کودکی که مورد آزار و اذیت قرار گرفته ، فردی برون گرا باشد ، در آینده خود به طرق

مختلفی در مقام انتقام برخورد آمد . همچنین میزان آزار و اذیت و مدت زمان این آزار و اذیت از عوامل موثر ارتکاب بزه در اطفال و نوجوانان است که این عوامل تحت عنوان کودک آزاری بحث مفصل و جداگانه ای را می طلبد که در این مجال نمی گنجد و به توضیح مختصر در مورد آن بسنده کردیم.

۴-۷) مهاجرت :

از عواملی که سبب افزایش بزهکاری اطفال و نوجوانان می شود ، می توان به مهاجرت از روستا به شهر و مشکلات مربوط به حاشیه نشینی اشاره کرد. بعضی از جرم شناسان معتقدند که امروزه مهاجرت های داخلی و همینطور بین المللی ، یکی از دلایل عمده ی افزایش نرخ بزهکاری مخصوصا در میان نسل اول مهاجران است. مهاجران و فرزندانشان در شهرها گرفتار سرگردانی و بی اعتقادی به نظامها و مقررات اجتماعی شده به انواع انحرافات کشیده می شوند . بررسیها نشان دهنده آن است که انواع جرایم از قبیل سرقت ، رابطه نامشروع و... در میان مهاجران بیش از دیگران است و فقر، بیکاری و نبود تعلیم و تربیت صحیح و کافی از عوامل مهم آن می باشد .

۶) نتیجه :

به هر حال شایسته است برای ریشه کن شدن مساله بزهکاری اطفال و نوجوانان و پیشگیری از وقوع اینگونه جرائم در آینده و در نهایت رسیدن به جامعه ای مطلوب که نظم و امنیت نسبی و در عین حال عدالت اجتماعی بر آن حاکم باشد ، در اتخاذ روش متناسب با وضعیت کودکان و نوجوانان تلاش شود . زیرا ممکن است برخورد

نسنجیده و غیر کارشناسانه ، نتیجه معکوس به بار دهد و موجب تشدید وضعیت انحرافی و بزهکاری این قشر از افراد جامعه گردد .

(۸) منابع:

- ✓ غنچه راهب، پایان نامه ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- ✓ شرام ویلبر ، تلویزیون در زندگی کودکان ما ، ترجمه محمود حقیقت کاشانی ، نشر مطالعات صدا و سیما
- ✓ ستوده هدایت الله ، مقدمه بر آسیب شناسی اجتماعی ، نشر آوای نور
- ✓ علی نجفی توانا ، نا به هنجاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان - تهران-آموزش و سنجش
- ✓ دیویدواین و آیدن سامونز-ترجمه: داوود نجفی توانا ، روان شناسی و جرم
- ✓ ملا فتح الله کاشانی ، تفسیر کبیر منهج الصادقین. 1 انتشارات اسلامیه
- ✓ نیک چهره احدی ، روانشناسی رشد ، انتشارات بنیاد، چاپ ششم، تهران
- ✓ سید ابوالقاسم حسینی ، روانپزشکی بالین 1 انتشارات دانشگاه مشهد ،
- ✓ گس ریمون ، جرم شناسی نظری- مترجم: مهدی کی نیا - تهران-مجد
- ✓ علی نجفی توانا ، جامعه شناسی انحرافات ، ، سنجش و آموزش تهران

✓ محمدجعفر جعفری لنگرودی ، (مبسوط در ترمینولوژی حقوق)

✓ دکتر هوشنگ شامبیاتی ، بزهکاری اطفال ونوجوانان

✓ دکتر جاوید صلاحی ، کودکان ونوجوانان بزهکار وناسازگار

✓ محمد رضا اکبری ، مقاله آسیب شناسی در بزهکاری اطفال .

✓ فاطمه قرمز چشمه ، مقاله نقش رسانه های جمعی بر بزهکاری کودکان و نوجوانان.

✓ نیومن فیلیپ ، نیومن باربارا ، اثرات تلویزیون بر رشد کودک ، ترجمه اسماعیل بیابانگر ،